

این یادداشت‌ها را برای تو می‌نویسم

کارهای شناسنامه‌دار...

آن روزها که تعداد ناشرین و اهل قلم و به ویژه آنانی که صاحب اسم و رسمی بودند کمتر از امروز بود، برخی از ناشرین از روی توجه و عمد - یا شاید هم به سهو - در مورد نشر آثار خود روشی یکسان برمی‌گزیدند. به عنوان مثال ناشر جلد کلیه آثار خود را با یک تیپ (یا لوگوی خاص) به چاپ می‌رساند و یا گاهی این کار را برای برخی نویسندگان شناخته شده خود می‌کرد. در واقع شما که دنبال کننده آثار خاصی بودید ناخواسته و به مرور زمان آن چهارچوب مشخص در ذهن‌تان می‌نشست و با دیدن یکی از آن آثار (مخصوص یک نویسنده یا ناشر معین) حتی بدون خواندن نام و مشخصات کتاب حدس می‌زدید که این اثر متعلق به کیست.

این مطلب برای کسی که آن سالها اهل خواندن و دنبال کردن آثار مختلف - و شاید پرسه زدن در جلوی کتابفروشی‌ها - بوده، ناآشنا نیست و حتی با گذشت چند دهه هنوز هم دیدن یکی از آن آثار، او را وامیدارد که در گنج خاک خورده و فراموش شده ذهنش به دنبال نامی بگردد که همراه با آن کتاب به یاد داشته است.

در واقع چنین کاری یک نتیجه جالب هم با خود داشت و آن «شناسنامه دار» کردن آثار یک نویسنده یا ناشر برای خوانندگان کتاب بود و به صاحب آن هویتی می‌بخشید. اگر چه اکنون نیز به شکل جسته و گریخته چنین مسئله‌ای را در کار برخی ناشرین می‌بینیم ولی در شرایط و محدودیت‌های نسبی آن روزگار، چنین کاری برجستگی خاص‌تری پیدا می‌کرد.

با این سخن کوتاه از صفت «شناسنامه‌دار» بودن استفاده می‌کنم و آن را به کار نویسنده حاضر مرتبط می‌نمایم. اگر چه امروز دیگر از آن لوگوی یکسان و مشخص (لااقل در روی جلد) خبری نیست ولی در مورد کتاب «این یادداشت‌ها...» ادعایی گزاف نیست که با توجه به نوع نگارش و ریتم داستان می‌توان پی به نویسنده‌اش برد. یعنی برای آنانی که رمان‌های مختلف را دنبال می‌کنند و با آثار قبلی این نویسنده نیز آشنایی دارند، خواندن اثری جدید از او - حتی بدون نام و نشانی - بی‌تردید یادآور آثار قبلی نویسنده خواهد شد. او اکنون با حرکت در مسیری مشخص که فراز و فرودهای شدید نداشته، به مجموعه کتابهایی رسیده است که می‌توان وصف «شناسنامه‌دار» بودن را برایش برگزید. چنین کاری ابتدا مستلزم شناختن خود و توانایی‌های خویش، و سپس مخاطب آن آثار است تا ضمن رسیدن به رضایت خواننده، خود را درست به مسیر حرکت‌های مقطعی نسپارد.

البته امیدوارم که ما نیز به عنوان مؤسسه‌ای انتشاراتی هنر آن را بیابیم که روزی مشمول چنین اطلاقی بشویم و خوانندگان خوب انتشارات با دیدن کتابی از ما، بدون تردید شناسایی‌اش کنند. باشد تا چنین باد...

بهمن رحیمی

آذر ماه ۱۳۸۷ - تهران